



علی اصغر حکمت

استاد ممتاز دانشگاه

تهران

یادداشت‌هایی از

عصر پهلوی

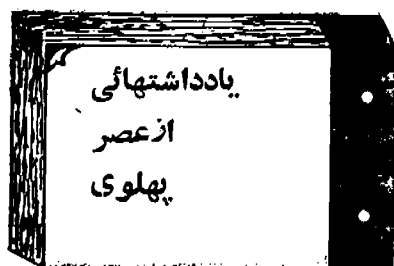
-۶-

چهار لوح و چهار سکه

براق از طلا و نقره که روی آنها خطوط و
علاماتی بخط میخی (Coneiform)
کنده شده بود از کیف بیرون آورده و به
نظر ایشان رسانید. شاهنشاه با نظر استحسان
و اشتیاق آنها را بضمیمه چهار عدد مسکوک
زر و سیم که در دو جعبه سنگی از زیر
خاک کشف شده بود در دست گرفته و بدقت
ملاحظه می‌کردند و مدتی طولانی در آنها
تأمل و تفکر می‌نمودند و بخطوط آنها نظر
می‌فرمودند . سپس گفتند « اینها را من
گفته بودم که با يك مأمور مخصوص
و چهار ژاندارم تهران بیاورند » . کفیل
معارف عرض کرد « امر مبارک همینطور اجرا
شده و امروز مأمور اداره باستانشناسی با

در یکی از روزهای اواخر آبانماه
۱۳۱۲ کفیل وزارت معارف کیف چرمی
بزرگی که محتوی چهار لوح زروسیم بود
و بسیار سنگین و وزین مینمود در دست بکاخ
اختصاصی اعلیحضرت شاهنشاه فقید میرفت
همانجائیکه اکنون محل کاخ علیا حضرت
ملکه پهلوی میباشد. در آن اوقات عمارت
پذیرائی (بیرونی) شاهنشاه بود، قصر
مرمر هنوز تمام ساخته نشده بود .

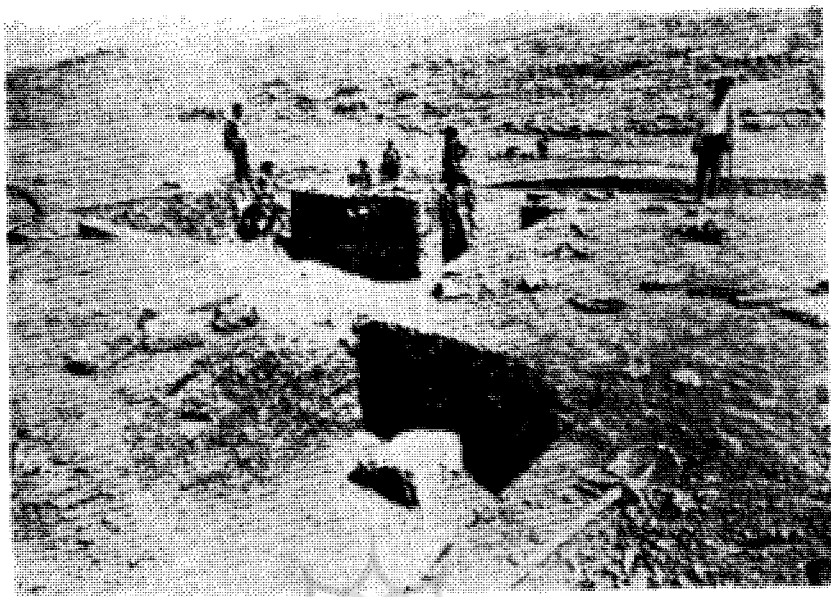
در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر به
حضور پذیرفته شده عرض کرد : الواح
مکشوفه در تخت جمشید را بر حسب امر
از شیراز به تهران آورده‌اند و اینک از مد
نظر مبارکمی گذرد . چهار لوح مربع و



گذشت دوهزار و چهارصد و پنجاه سال بدست آمده و در حقیقت قباله و بنت‌جاق مالکیت شاهنشاهی ایران می‌باشد. اعلیحضرت فقید دوباره به آنها تکریمه و بعد از مدتی تأمل و تفکر فرمودند که این خطوط را خوانده‌اند و معلوم شده است چه نوشته است؟ عرض کرد: از قراریکه پروفیسور هرسفلد که متخصص باستان‌شناسی و السنه قدیم است آنها را ترجمه کرده و اینک گزارش او بعرض میرسد این الواح با لوحه‌های ملامی که هشت سال قبل در همدان کشف شده بود و اکنون در موزه معارف است تطبیق می‌نماید و در هر پنج لوح يك مطلب را به سه زبان - بابلی و عیلامی و فرس قدیم نقره حکاکی کرده‌اند و ترجمه آن را بفارسی امروزی کرده است امر فرمودند بخوان چه نوشته؟ عرض کرد ترجمه ساده این است:

- ۱- دارا شاه بزرگ - شاه شاهان - شاه سرزمینها و ممالک پسر و پستاسب هخامنشی.
 - ۲- دارا شاه گوید این است مملکتی که من دارم از سکاها که پشت سندنند گرفته تا کوشا و از سندن گرفته تا اسپاردیس که آنرا اورمزد بمن بخشیده.
 - ۳ - او که بزرگترین خدایان است اورمزد مر او خاندانم را پاس دارد.
- اعلیحضرت شاهنشاه پس از استوالاتی در باب آن ممالک که ذکر شده فرمودند دولوح طلا و نقره را در موزه معارف بگذارند و دولوح دیگر با سکه‌ها در عمارت موزه قصر سلطنتی باید بماند.

چهار ژاندارم وارد شده و الواح را تحویل داده‌اند. سؤال فرمودند: « اینها کجا بوده و چگونه بدست آمده ». در جواب عرض کرد: « در دو گوشه قصر دربار دارای بزرگ هخامنشی که آپادانا نام دارد یعنی محل بارعام بوده در حفره‌ی بعمق دو متر و نیم در دو صندوقچه درست بهمین قطع از سنگ خارا برای یاد بود و سند تاریخ بنا در خاک سپرده و روی آنها دیوارهای قصر ساخته شده بود بعد از حریق که اسکندر یونانی در آنجا آفروخته، عمارت خراب ولی لوح‌ها همچنان دست نخورده در دل خاک مدفون بودند. هرسفلد آلمانی که متصدی حفاری بوده در يك گوشه آثار گودالی ملاحظه میکند حدس می‌زند که در آنجا چیزی نهفته باشد و در آنجا حفاری می‌کند ناگهان مخزنهای سنگی شامل دو لوح طلا و نقره نمودار می‌شود بقیاس قرینه در چهار گوشه دیگر قصر کاوش کرده‌اند مجدداً در گوشه‌ای باز يك صندوق سنگی محتوی دولوح طلا و نقره عیناً مانند دولوح اولی کشف می‌شود ولی در دو گوشه دیگر اثری نبوده و چیزی یافت نشده است. بهر حال این چهار لوح سند تاریخی کشور شاهنشاهی ایران است که اکنون بعد از



محل اکتشاف الواح تاریخی در پایه های قصر آبادانا در تخت جمشید

باید دانست که در سال ۱۹۳۰ میلادی برابر ۱۳۱۰ ش بنیاد شرقی آمریکا وابسته به دانشگاه شیکاگو بنام

The Oriental Institute of the University Of Chicago

که یکی از مؤسسات معروف علمی جهان است در صدد بر آمد که محل تاریخی و حیرت انگیز پرسپولیس پایتخت داریوش کبیر دارای اول هخامنشی را که نزد مابۀ تخت جمشید موسوم و در دامنه شمالی کوه رحمت که در پنجاه و دو کیلومتری شیراز واقع شده خاک برداری و کاوش بطرز و اسلوب فنی بنمایند تا ببینند در آنجا چه خواهند یافت و پرده تاریکی که بر روی این ساختمان که سال افتاده است بردارند پس برای این

سپس به کفیل معارف رو کرده با کمال بشاشت فرمودند: و خیلی بفال نیک است این لوحها خیلی مهم است و علامت نیک بختی است برای شما هم بفال نیک است که در موقع تصدی شما اینها بدست آمده کارتان خوب خواهد شد، این را فرموده و کفیل معارف از حضور مرخص شد. تأثیر الواح و مشاهده این آثار بقدری در روح آن مرد بزرگ مؤثر و شدید بود که چهار ماه بعد از آن در شب سوم اسفند ۱۳۱۲ در ضیافت شامی که همه ساله بمناسبت آن روز تاریخی در باشگاه افسران در حضور ایشان بر پا میشد در نطق رسمی خودشان که خطاب به افسران و امراء شاهنشاهی ایراد کردند از کشف این الواح ابراز مسرت و شادمانی فرمودند.



پروفیسور ارنست ہرسلدمتولد ۱۸۷۹
متوفی ۱۹۴۸ میلادی

سال قبل برپا شده و سرنوشت چنان بود کہ بدست سفاک غدارى بنام اسکندر يونانى وحشیانه طعمه حریق وانهدام شود و امروز ازپهلوی سنگهای پراکنده وستونهای بلند و ازگون قطعات زغال آثار شوم آن حریق غم انگیز باقی مانده و از ستمگریها که آن بیگانگان در این مکان مقدس کرده اند حکایت می کند .

باری هیئت حفاری مذکور در طول این مدت از زیر خروارها خاک و سنگ آثار بسیار پدید آورد و حدود طالارها و پایه های ستونهای و ازگون و راهروها و دهلیزها و مجاری آب و غیره اندک اندک معلوم و نمایان گردید .

اینها بنای اختصاصی داریوش بنام « تاتشاترا » **Tatshatra** مخصوصاً تهمیر

کار پس از کسب اجازه از دولت ایران يك دانشمند معروف آلمانی استاد دانشگاه برلن را بنام پروفیسور ارنست هرسفلد
Prof . E . Herzfeld

که استاد و متخصص «آرکئولوژی» ممالک خاور میانه و مهندس و معمار و لغت شناسی بنام بود برگزیدند زیرا که اوقیلا درویرانه های شهرهای بزرگ خاور نزدیک مانند بابل و نینوا و شام و ایران مطالعه و حفاری کرده و به پرسپولیس و بازارگاد و اکباتان رفته و تحقیقات کرده و اهمیت موقع پرسپولیس را مخصوصاً می شناخت پس در همان سال برای این خدمت مهم علمی بایران آمد يك نفر باستان شناس آلمانی جوان بنام فریدریش کریفتر **F . Krifter** که دارای استعداد و قریحه ممتازی بود نیز همراه داشت از طرفی وزارت معارف جوان دانشمندی بنام محمدتقی مصطفوی (که عمر خود را از آن پس وقف تحقیق در تاریخ و آثار باستانی ایران کرده و او را حقاً اولین باستان شناس ایرانی باید شمرد). بنظارت کار این هیئت مأمور شد همه بتخت جمشید رفتند و برای مدت دو سال بخاک برداری و پیدا کردن رازهای نهفته و آثار و کتیبه های آن قصر تاریخی سرگرم بوده اند تا اینکه صحن صفاً تخت و نقاط مجاور آن را از گل و سنگ پاک کردند و نصب سنگها در محلهای اصلی خود و خواندن کتیبه ها و روشن کردن نقشه این بنای با عظمت همه حاصل عملیات آنها بود . کاخ عظیم تاریخی که در دو هزار و چهارصد



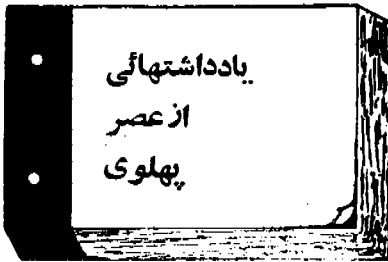
اکتشاف الواح در محفظه سنگی (از راست به چپ - پروفیسور فردریش گزمین و آقای محمد تقی مصطفوی ناظر از طرف وزارت معارف)

نقیس و نظریف که در زمان اگزرسس ساخته شده بود کشف گردید .

همچنین کار مهم دیگری که بدست آنها انجام گرفت عبارت بود از کشف انبار (بایگانی) بزرگی از چندین صد الواح خشتی که در شمال شرقی کاخ پدید آمد و بر روی آنها به خط میخی و بزبان عیلامی خطوطی نگاشته شده بود و آنها را بر حسب اجازه دولت به شیکاگو (امریکا) حمل کردند که در آنجا دانشمندان و علماء السنه قدیم به خواندن آنها سالی چند مشغول بودند و حاصل مطالعات و ترجمه کتیبه ها را در کتاب مفصلی مشروحاً بزبان انگلیسی نوشته و بطبع رسیده است .

وزارت معارف گزارش رسمی پروفیسور هرسفلد و شرح اکتشاف الواح و مسکوکات

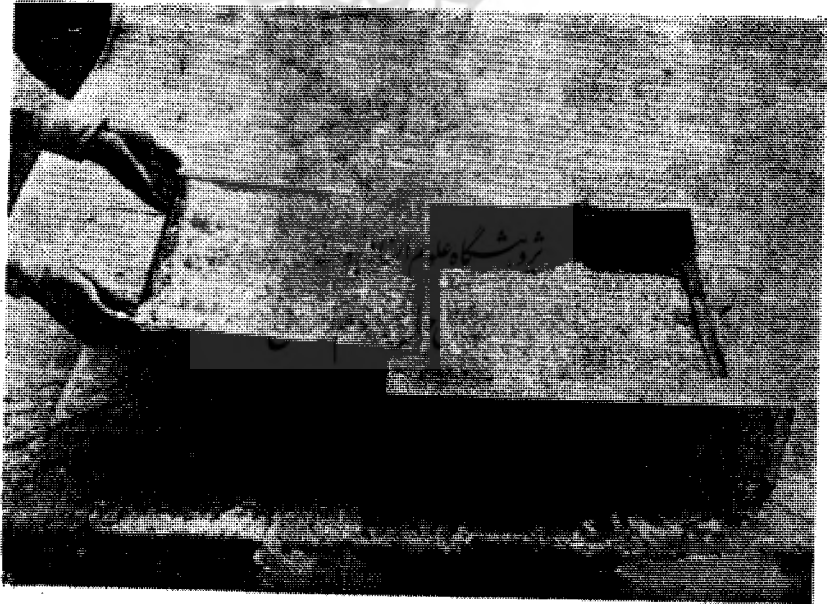
کرده و آنجا را محل اقامت هیئت حفیاری قرار دادند و بعداً همان مکان تبدیل به موزه شده و اشیاء باستانی عتیق که قابل انتقال به موزه ها نبوده در آنجا گذاشته شده هم اکنون محل عبرت و حیرت بینندگان است ساختمان تاشاترا خود نمونه کاملی از سبک معماری عصر هخامنشی میباشد و نیز در ضمن همان دو سال بکشف مهم دیگری موفق شده اند که عمارت و کاخ اندرونی (حرمخانه) که اگزرسس اول Xerxes I بعد از داریوش ساخته بود پاک و روشن کردند و نیز کشف بزرگی در شمال قصر آپادانا بعمل آمد و در دو محفظه استوار و وزین از سنگ خارا چهار لوح طلا و نقره را از مدفون خود بیرون آوردند که شرح آن گفته شد و نیز پله کان مهم و تماشایی با حجاری ها و کنده کاریهای



یادداشت‌هایی
از عصر
پهلوی

توضیح - در تاریخ اکتشاف سهوی شده است کشف الواح در روز ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۳ برابر ۲۷ شهریور ۱۳۱۲ ش بوده است دو لوح از آنها اکنون در موزه ایران باستان بانضمام لوح شبیه بآنها مکشوفه در اکباتان (همدان) همه و دو لوح دیگر در موزه شهید نهاده شده است .

را تقدیم انجمن آثار ملی نمودند که در تحت عنوان شماره شش سلسله نشریات آن انجمن بطبع رسیده است . وزارت معارف در نامه کبیر مورخ پنجم اسفند ماه ۱۳۱۲ شماره ۳۷۰۴۲ بمنوان آن انجمن چنین نگاشته : در قصر دارای هخامنشی در تخت جمشید بعد از ۱۴۵۰ سال دستخوش غفلت و فراموشی بود در مهر ماه ۱۳۱۲ (۴) الواحی چند که گرانبها ترین و دیمه تاریخی و بزرگترین سند مالکیت نیاکان مادر آسیای مرکزی و غربی (از هند تا حبشه توسعه داشته) و بهترین محرک غرور و افتخار ملی ماست اینک در موزه ایران باستان نهاده است .



محفظه سنگی و الواح درون آن در موقع اکتشافات در تخت جمشید